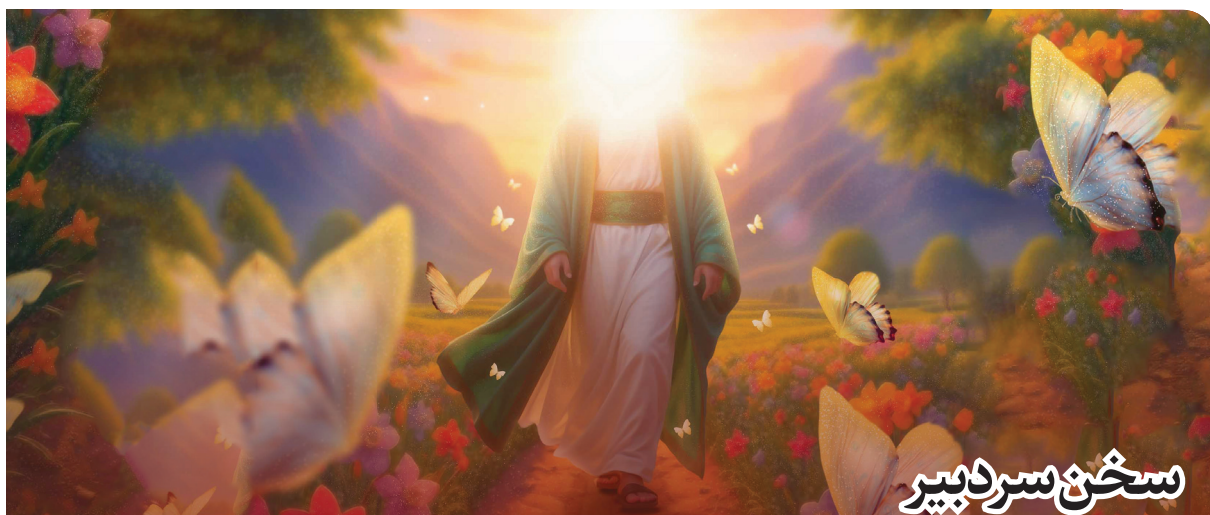


رصد

بررسی تحرکات غرب در حوزه مهدویت و آخرالزمان گرایی
شماره بیستم | زمستان ۱۴۰۴





سخن سردبیر

بسم الله الرحمن الرحيم

انتشار این شماره مجله همزمان با ایام بسیار خجسته‌ای است. از اعیاد مبارک ماه رجب و شعبان گرفته تا ماه زیبای خدا، رمضان. درست در میانه این فصل بندگی، میلاد مسعود و آسمانی آخرین حجت الهی، امام عصر عجل الله تعالی فرجه قرار دارد که امسال قرین ایام الله دهه فجر انقلاب اسلامی شده است. این هم‌زمانی مبارک، ذهن منتظران راستین را به آینده‌ای موعود نوید می‌دهد که همه صالحان و موحدان آرزوی آن را به سر داشته‌اند؛ روزی که زمین با ظهور ولی الله الاعظم آکنده از عدالت، خداپرستی و آرامش می‌گردد.

اما باید دانست جبهه ظلمت و تباهی و جنود شیطان بیکار نمی‌نشینند و نهایت تلاش خود را می‌کنند تا در تحقق این وعده قطعی الهی خلل ایجاد کند. از یارگیری گسترده برای سپاه باطل با ابزارهای رنگارنگ گرفته تا جنگ و دندان نشان دادن برای ناامیدکردن و خالی کردن دل مؤمنان. و اینجاست که در کورده‌های سوزان فتنه‌های آخرالزمانی باید عیارها مشخص و ناخالصی‌ها زدوده شود. چرا؟ چون برای آن قیام قائم، یارانی از جنس ابودر، عمار و سلمان نیاز است: «وَكذلكَ اَنْتُمْ تُمَيِّزُونَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا عَصَابَةٌ لَا تَنْصُرُهَا الْفِتْنَةُ شَيْئًا»^۱

شاید سؤال نشود آیا ولی خدا بدون مردم نمی‌تواند آن قیام مبارک را سامان دهد؟ پاسخ را می‌توان از جای جای کلام الهی فرا گرفت؛ چه آنجایی که برقراری عدالت بر دوش انسان‌ها گذاشته شده: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا

رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۲ و چه آنجایی که حکایت همراهی با عدم همراهی پیروان انبیاء الهی گوشزد می‌شود. در طول تاریخ اسلام نیز هرجا مردم پای کار اقامه دین و یاری ولی خدا بودند، اقامه حق و عدل در مسیر درست خود حرکت کرده است. آری! «کار دست مردم است؛ ولی خدا بدون کمک مردم که کاری نمی‌تواند بکند؛ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»^۳

قیام شگرف مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) نیز با همین انگیزه و هدف شکل گرفت؛ بیدارسازی مردم در اقصی نقاط جهان و حرکت جمعی آنها به سوی عدالت‌خواهی و حق‌پرستی. آری! گام اول این هدف عظیم را مردم بیدار ایران برداشتند و «امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا له الفدا منتهی شود»^۴

سخن آخر اینکه حواسمان باشد این روزگار پرآشوب ما را از آن هدف والا و مقدس باز ندارد و در این مسیر همدیگر را با «تواصی به حق» و «تواصی به صبر» یاری، نیرو و امید دهیم.

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۶.

۲. سوره حدید، آیه ۲۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی؛ ۱۳/۱۰/۱۴۰۴.

۴. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۶۲.

شناسنامه

سردبیر و ناظر محتوایی: حجت الاسلام و المسلمین زهیر دهقانی آرانی

هیئت تحریریه: مسعود زائری، علی سینا تبریزی، حسن ملایی

شهرستانکی، سرکار خانم اسلامی، گروه غرب و مهدویت

صفحه آرایی: حامد خاکپور

تهیه شده در: گروه غرب و مهدویت مرکز تخصصی مهدویت

حوزه علمیه قم با همکاری موسسه عصر موعود

به سفارش معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و ج.ع.ا



ایتا: <https://eitaa.com/westandmahdism2>

ایمیل: westandmahdism@chmail.ir

فهرست مطالب شماره بیستم

اصطد

● سخن سردبیر

● ایرانیان خارج از کشور چه تصویری از مهدویت ارائه می‌دهند؟ ۵ (امید قائم مقامی)

● «اقتب جایگزین»؛ روایتی اروپایی از ظهور قدرت جهانی تشیع

● عبدالعزیز ساشادینا: پل فکری بین اسلام سنتی و جهان مدرن

● معرفی مراکز اسلام‌پژوهی و ایران‌پژوهی در اسرائیل (۳): دانشگاه تل‌آویو

● خانواده در آخرالزمان؛ قربانی ترس یا کانون امید؟

● فرش قرمزی برای دروغ؛ کالبدشکافی سینمای

● جشنواره پسند ضد ایرانی



ایرانیان خارج از کشور چه تصویری از مهدویت ارائه می دهند؟ ۵ (امید قائم مقامی)

زهیر دهقانی آرانی

است و اکنون نیز به عنوان دانشیار مطالعات عربی و اسلامی در دانشگاه بینگهمتون^۱ (دانشگاه ایالتی نیویورک) مشغول فعالیت است.^۲ قائم مقامی در محافل علمی غرب به عنوان یک شخصیت علمی و آکادمیک شناخته شده است که در زمینه علوم اسلامی و همچنین مطالعات عربی تخصص دارد. اما نکته قابل تأسف در مورد وی اینکه نگاه مغرضانه و آکنده با اشتباه او در مسائل اسلامی-شیعی کاملاً مشهود است و در آثار خود همواره سعی نموده با دیدگاه تردید و شبهه افکنی به موضوعات مذهب تشیع بپردازد.

از سوی دیگر شائبه بهایی بودن وی نیز از دیگر مسائلی است که قضاوت در مورد او و انگیزه های کارهایش را دشوار ساخته است. هرچند به سختی می توان اظهار نظر رسمی از خود این شخصیت در مورد بهایی بودنش یافت؛ اما بررسی نسب خانوادگی، نگارش چندین مقاله در موضوع باب و بهائیت^۳ و همچنین حضور وی به عنوان

امید قائم مقامی از ایرانیان خارج نشینی است که سال هاست

در زمینه مسائل اسلامی مشغول به تحصیل، تدریس و نگارش است. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته مطالعات اسلامی و خاور نزدیک از دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس و مدرک دکترای خود را در رشته مطالعات خاورمیانه

و اسلام از دانشگاه تورنتو اخذ نمود و پس از آن در دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی مختلفی در ایالات متحده، کانادا، اروپا و مصر در زمینه مطالعات عربی و اسلامی، مشغول تدریس، تحقیق و سخنرانی



1. Binghamton University.

2. <https://www.binghamton.edu/comparative-literature/trip/people/profile.html?id=omid>.

۳. برخی مقالات او در موضوع بهائیت در سایت رسمی بهائیت قابل مشاهده و رهگیری است:

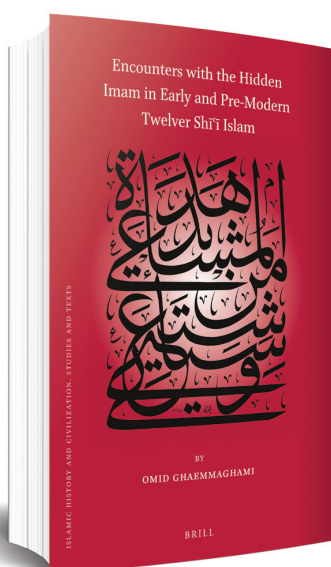
https://bahai-library.com/author/Omid_Ghaemmaghamsi.



Omid Ghaemmaghami, Ph.D.
Asst. Professor of Arabic and Near Eastern Studies, SUNY Binghamton

معتبر بریل، اثری را به چاپ رساند که به بررسی یکی از موضوعات چالش برانگیز در تاریخ اندیشه شیعی، یعنی مسئله «امکان رؤیت و ارتباط با امام غائب در عصر غیبت کبری» می‌پردازد. انتشارات بریل با پیشینه‌ای طولانی در نشر مطالعات اسلام‌شناسی در غرب، در دهه‌های اخیر تمرکز ویژه‌ای بر واکاوی متون کلامی و تاریخی اسلامی و شیعی داشته است.

قائم‌مقامی در این اثر مدعی است که در سده‌های نخستین آغاز غیبت کبری، دیدگاه رسمی و غالب در میان نخبگان و علمای شیعه بر انقطاع کامل ارتباط فیزیکی با امام عصر (عج) استوار بوده است؛ به گونه‌ای که بر اساس توقیعات صادرشده، هرگونه ادعای مشاهده امام در حکم کذب و دروغ تلقی می‌شد. با این حال، وی معتقد است این موضع کلامی ثابت نماند و تقریباً از سده پنجم هجری به بعد، چرخشی در الگوواره (پارادایم) فکری علما پدید آمد. به زعم نویسنده، از این دوره به بعد احتمال ملاقات‌های فردی به رسمیت شناخته شد و به تبع آن گفتمان گسترده‌ای در قالب روایات و حکایات تشرف شکل گرفت که در سده‌های بعد و به‌ویژه در دوران صفویه و قاجار به اوج خود رسید.



کارشناس بهائیت در مستند نمایشی «دروازه: طلوع آیین بهائیت»^۴ همه و همه تقویت‌کننده گرایش وی به فرقه ضاله بهائیت است.

البته شاید این پنهان‌کاری و عدم ابراز آشکار گرایش‌های فرقه‌ای و مذهبی توسط خود قائم‌مقامی به عنوان حربه‌ای برای تأثیرگذاری بیشتر حرف‌هایش در میان مخاطبان باشد. عموم مخاطبان وی را به عنوان یک کارشناس اسلامی می‌شناسند که سال‌ها در این زمینه مطالعه و تحقیق داشته است. اما اگر مشخص شود در ورای این ظاهر اسلامی، عقائدی کاملاً ضد اسلامی پنهان شده، قطعاً اعتماد به حرف‌های او کمتر خواهد شد.

قائم‌مقامی علاوه بر تألیفاتی که در موضوع بهائیت دارد، چندین مقاله و یک کتاب مهم نیز در خصوص موضوع مهدویت و امام زمان (عج) نگاشته است که از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت می‌باشد. دو مقاله «نکاتی در مورد دو حدیث در رابطه با غیبت امام غائب»^۵ و «و زمین به نور پروردگارش می‌درخشد: قائم و قیامت در اسلام شیعی»^۶ و کتاب «ملاقات با امام غائب در دوره آغازین و پیشامدن نزد شیعه دوازده‌امامی»^۷ از جمله مهم‌ترین تألیفات قائم‌مقامی در موضوع مهدویت است.

نکاتی در مورد کتاب

امید قائم‌مقامی در سال ۲۰۲۰ توسط انتشارات

4. The Gate: Dawn of the Baha'i Faith, Documentary, United States, 2018.

5. Ghaemmaghami, Omid. "Except the Mawlā: 'Notes on Two Hadiths Concerning the Ghayba of the Twelfth Imam'". Journal of Persianate Studies 10, no. 1 (2017): 49-74.

6. Ghaemmaghami, Omid. "And the Earth will Shine with the Light of its Lord" 'Q: (39:69 Qā'im and qiyāma in Shi'i Islam". Journal of Qur'anic Studies 21, no. 3 (2019): 78-105.

7. Ghaemmaghami, Omid. Encounters with the Hidden Imam in Early and Pre-Modern Twelver Shi'i Islam. Leiden: Brill, 2020.



سید مرتضی و شیخ طوسی) عقیده دارند در این دوران، ملاقات حضوری امکان دارد و انسان با رعایت تقوا و ایجاد شایستگی، می‌تواند به حضور امام عصر (عج) برسد. در مقابل بعضی علمای دیگر (همچون نعمانی و فیض کاشانی) عقیده دارند که ملاقات حضوری با امام امکان ندارد. اینان به برخی روایات - از جمله همین توقیع - تمسک نموده‌اند که هرگونه ارتباط حضوری با امام را در این دوره منع می‌کند.

به نظر می‌رسد با توجه به مجموع روایات می‌توان گفت اینگونه روایات همه‌گونه دیدار با حضرت را در دوران غیبت نفی نمی‌کنند و بعید نیست افراد خاصی بتوانند در این دوران هم موفق به دیدار ایشان شوند. در مورد روایت مورد اشاره نیز با توجه به این که این توقیع هنگام فوت آخرین نایب امام زمان (عج) صادر شده و با لحاظ قرینه‌ای که در خود توقیع است، شاید بتوان گفت مراد از دروغ‌گو بودن مدعی مشاهده بعد از صدور توقیع، ادعای ارتباط و نیابت از جانب حضرت است.^۸

امید قائم‌مقامی را باید از محققان و نویسندگان غربی پرکار در موضوع مهدویت به شمار آورد که به دلایلی از جمله ایرانی بودن و آشنایی نزدیک با متون فارسی و عربی، نظراتشان در فضای علمی و دانشگاهی غرب شیوع فراوانی دارد. به نظر می‌رسد مراکز حوزوی و دانشگاهی باید علاوه بر پاسخگویی بهنگام و مناسب به اشکالات و ادعاهای اینگونه نوشتارها، تلاش درخوری جهت کسب مرجعیت علمی در موضوعات مرتبط با باورهای عمیق اسلامی به ویژه مهدویت در مجامع مختلف جهانی داشته باشند.

این پژوهش دارای دو ضمیمه کتاب‌شناختی و تحلیلی مهم است:

۱. معرفی و بررسی ده منبع مرجع که کانون اصلی نقل حکایات ملاقات با امام هستند (از جمله النجم الثاقب و العیقری الحسان). ۲. ترجمه و تحلیل شرح علامه مجلسی بر عبارت «كَذَابٌ مُفْتَرٌ» در آخرین توقیع امام به سفیر چهارم جناب علی‌بن محمد سمری؛ قائم‌مقامی در این نوشته سعی دارد تطور تفسیری این عبارت را در طول زمان نشان دهد. قائم‌مقامی در این کتاب سعی نموده است با بیان احادیثی از جمله توقیع امام عصر (عج) خطاب به آخرین وکیلشان، موضوع اعتقاد به دیدار و عدم دیدار شیعیان با امام مهدی (عج) را دستخوش تغییرات زمانی و مکانی بداند. البته تلاش او حاوی برداشت‌های یک‌سویه و بعضاً اشتباه از احادیث ائمه (ع) و سخنان علمای شیعی است و سعی دارد نظریه خود را بدین ترتیب به کرسی بنشاند.

نکته جالب اینکه روی جلد کتاب عبارت خطاطی شده «وَسَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمُشَاهَدَةَ» آمده است که اشاره‌ای به آخرین توقیع امام عصر (عج) به سفیر چهارم دارد و چنانکه می‌دانیم موضوع کتاب دقیقاً حول همین معنا می‌باشد. جای شگفتی نیست که قائم‌مقامی کتاب خود را به تد لاوسون، محقق معروف بهایی، پیشکش کرده و در اقدامی عجیب، عبارت «وَمَا زَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً» را نیز در پای نام او نگاشته است!

تحلیل و نقد ادعای قائم‌مقامی

در خصوص امکان و عدم امکان ملاقات حضوری با امام زمان (عج) در دوران غیبت کبری میان علمای شیعه اختلاف است. برخی (همچون

۸. برگرفته از پاسخ مرتبط با سؤالی در این موضوع در سایت مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی:



«امت جایگزین»؛ روایتی اروپایی از ظهور قدرت جهانی تشیع

مسعود زائری

غرب آسیا (خاورمیانه) را تشکیل می‌دهند.

۲) دورویداد کلیدی، یعنی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران و سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳، موازنه قدرت را در منطقه تغییر دادند. این رخدادها شیعیان را از حاشیه به متن سیاست آورد و قدرت جمعیتی آنان را به نفوذ ژئوپلیتیک تبدیل کرد.

۳) ظهور تشیع فراملی در اروپا: با مهاجرت گسترده شیعیان به اروپا، غرب با پدیده‌ای مواجه شد که در آن جوامع شیعی نه تنها در خاورمیانه، بلکه در قلب لندن، پاریس و برلین نیز شبکه‌های قدرتمندی ایجاد کرده‌اند. درک چگونگی عملکرد این شبکه‌ها، ساختار مرجعیت و نحوه تعامل آن‌ها با مدرنیته، برای جامعه‌شناسی و سیاست‌گذاری در غرب حیاتی شده است.

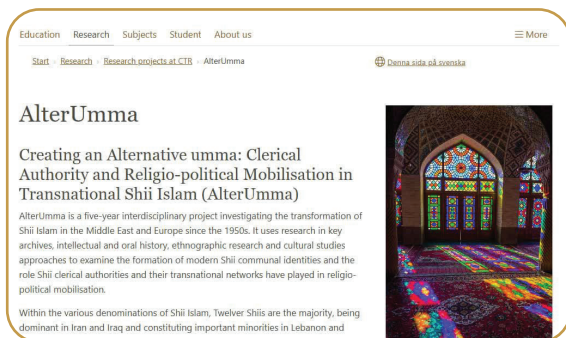
ضرورت و چرخش پارادایمی در شیعه‌پژوهی غربی

برای دهه‌های متمادی، مطالعات اسلامی در آکادمی‌های غربی عمدتاً تحت سیطره دیدگاهی «سنی‌محور» بود. در این قرائت سنتی، اسلام شیعی اغلب به عنوان یک «فرقه» حاشیه‌ای، دگراندیش و اقلیت سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گرفت. اما از نیمه دوم قرن بیستم، تحولات ژئوپلیتیک و اجتماعی در غرب آسیا، این روند را به چالش کشید و شیعه‌پژوهی را به عنوان یک ضرورت راهبردی و بنیادین برای غربیان مطرح کرد.

در همین راستا دانشگاه لاند سوئد که یکی از معتبرترین و قدیمی‌ترین دانشگاه‌های شمال اروپا و یکی از پیشگامان تحقیقات بین‌رشته‌ای در اروپا است، در سال ۲۰۱۸ پروژه‌ای با عنوان «خلق امتی جایگزین؛ مرجعیت روحانی و بسیج دینی-سیاسی در تشیع فراملی»^۲ را کلید زد. هدف اصلی این پروژه بررسی این سؤال است که چگونه تشیع در دوران مدرن (از دهه ۱۹۵۰ به بعد) خود را بازتعریف کرده است و چگونه با استفاده از شبکه‌های فراملی و مرجعیت روحانی، شیعیان در حال ساختن یک امت جایگزین هستند که از مرزهای دولت و ملت‌های کلاسیک فراتر می‌رود. این برنامه پژوهشی طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ با بودجه ۱.۹۵ میلیون یورویی از سوی شورای تحقیقات اروپا (ERC) تأمین مالی شد و دستاوردهای آن در قالب کتاب‌ها و مجموعه‌ای از مقالات علمی منتشر و در دسترس عموم قرار گرفت.

اهمیت این مسأله برای غرب از چند زاویه قابل تبیین است:

۱) برخلاف تصور رایج که شیعیان را اقلیت می‌پندارد، تحقیقات و آمارهای جدید نشان می‌دهد که شیعیان تا نیمی از جمعیت منطقه



بازتعریف فضا و هویت شیعی در غرب

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و اهداف این پروژه، بررسی علل نفوذ تشیع به اروپا بوده است. بر همین اساس، مقالات مختلفی در این زمینه

1. Lund University.

2. Alterumma- Creating an Alternative umma: Clerical Authority and Religio-political Mobilisation in Transnational Shii Islam.

جریان بوده است. این مقاله نشان می‌دهد که ایده‌های سیاسی انقلاب ایران، محصولی تعاملی و برآمده از یک شبکه پیچیده از روحانیون فعال در عراق و ایران بوده است. در مقاله دیگری تحت عنوان «حاکمیت الهی و اقتدار روحانیت در اسلام‌گرایی اولیه شیعه: باقر صدر (۱۹۳۵-۱۹۸۰) و تقی مدرسی (متولد ۱۹۴۵) در مورد دولت اسلامی»^۳ نویسنده به بررسی نحوه پذیرش و بومی‌سازی مفهوم حاکمیت الهی در بستر اسلام‌گرایی شیعی عراق، با تمرکز بر آراء شهید سید محمدباقر صدر و سید محمدتقی مدرسی می‌پردازد و به تفاوت نگاه این دو شخصیت در این موضوع مهم و اساسی اشاره می‌کند.

در میان تمام افرادی که در این پروژه ایفای نقش کرده‌اند نام آلور شاربروت^۴ برجسته‌تر است. وی یکی از استادان سرشناس در زمینه مطالعات اسلامی معاصر است که تخصص اصلی‌اش در تاریخ ادیان اسلام و علوم رفتاری دینی است. او در مرکز الهیات و مطالعات دینی



دانشگاه لاند در سوئد فعالیت می‌کند، جایی که به بررسی ارتباطات میان جوامع مسلمان و فرهنگ‌های غربی، به ویژه در بسترهای مهاجرت و شبکه‌های فراملی می‌پردازد. دیدگاه‌های علمی شاربروت معمولاً بر ابعاد تاریخی، اجتماعی و فراملی اسلام شیعی متمرکز است؛ او پروژه‌ها و پژوهش‌های متعددی درباره شبکه‌های شیعی در اروپا، نقش شیعیان در جوامع مهاجر و تعامل میان دین و سیاست در اسلام معاصر انجام داده است. این تحقیقات شامل انتشار مقالات در مجلات معتبر علمی و همکاری با پژوهشگران بین‌المللی است که نشان‌دهنده جایگاه تثبیت‌شده او در حوزه اسلام‌شناسی و مطالعات اسلامی مدرن است. شاربروت برای تکمیل این پژوهش‌ها، سفرهای متعددی نیز به کشورهای اسلامی و شیعی از جمله ایران داشته است.

جمع‌بندی

پروژه «امت جایگزین» در دانشگاه لاند، تصویری پویا، متکثر و جهانی از تشیع ارائه می‌دهد؛ اگرچه این تصویرسازی خالی از اشکال و ایراد نیست. خروجی‌های این پروژه ثابت می‌کند که تشیع معاصر دیگر محصور در مرزهای خاورمیانه نیست؛ بلکه جریانی است که با تکیه بر شبکه‌های روحانیت و مناسک عاشورایی، در حال ساختن هویت‌هایی جدید در قلب اروپا است؛ هویت‌هایی که هم با مدرنیته درگیرند و هم سنت‌های کهن را از نو تفسیر می‌کنند.

نگاشته شده است. به عنوان نمونه مقاله «خلق فضا‌های شیعی در جامعه بریتانیا»^۳ تمرکز خود را بر منطقه شمال غرب لندن قرار داده است و استدلال می‌کند شیعیان با استفاده از شبکه‌های فراملی خود، فضایی آرمان‌شهری و شیعی در قلب لندن ساخته‌اند. آن‌ها از گفتمان‌های بعد از ۱۱ سپتامبر هوشمندانه استفاده کرده و با متمایز کردن خود از افراط‌گرایی سلفی، خود را به عنوان مسلمانان میانه‌رو و قربانی تروریسم معرفی کرده‌اند. نویسنده در این مقاله الگویی را ترسیم می‌کند که در آن فرد می‌تواند هم‌زمان یک شهروند لندنی و یک مسلمان ملتزم به هویت شیعی باشد.

در همین زمینه و در پژوهشی دیگر^۴ بر ضرورت دیدن تنوع داخلی مسلمانان اروپا تأکید شده و پژوهش نشان می‌دهد که نادیده گرفتن تفاوت‌های فرقه‌ای (شیعه و سنی) در مطالعات جامعه‌شناسی اروپا، باعث درک ناقص از پویایی‌های اجتماعی مهاجران شده است.

مناسک شیعی، مدرنیته و چالش‌های درون‌مذهبی

از دیگر محورهای این پروژه تحقیقاتی تحلیل و بررسی مناسک شیعیان است که در این زمینه نیز تحقیقات مختلفی در ضمن این برنامه صورت گرفته است؛ به عنوان مثال مقاله «چالش بر سر مناسک آیینی در تشیع دوازده امامی: مدرنیسم، فرقه‌گرایی و سیاست خودزنی»^۵ به موضوع حساس و جنجالی «قمه‌زنی» می‌پردازد. نویسنده با بررسی آراء مراجع تقلید در قرن ۲۰ و ۲۱ نشان می‌دهد که مخالفت با قمه‌زنی اغلب ریشه در نوگرایی اسلامی و تلاش برای حفظ وحدت اسلامی بین شیعه و سنی دارد. همچنین، این مقاله بعد سیاسی فتاوی تحریم قمه‌زنی (مانند فتاوی رهبر انقلاب اسلامی ایران) را به عنوان تلاشی برای اعمال برتری و نفوذ گسترده در میان شیعیان جهان تحلیل می‌کند.

مباحث سیاسی اجتماعی اسلام شیعی

در میان موضوعات متنوعی که در این پروژه پژوهشی بررسی شده، تمرکز بر مسائل سیاسی و اجتماعی شیعیان یکی از محورهای اصلی و برجسته آن بوده و در کتاب‌ها و مقالات منتشرشده به عنوان خروجی این برنامه، جایگاه قابل توجهی دارد.

به عنوان نمونه در مقاله «[امام] خمینی و [آیت‌الله] محمد شیرازی: بازخوانی ریشه‌های ولایت فقیه»^۶ روایتی متفاوت از شکل‌گیری نظریه «ولایت فقیه» ارائه شده و نویسنده استدلال می‌کند که قبل از درس‌های حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۹۷۰ در نجف اشرف، بحث‌های مشابهی درباره حکومت اسلامی در میان فعالان روحانی عراق، به‌ویژه «جریان شیرازی» (آیت‌الله سید محمد شیرازی و سید هادی مدرسی) در

3. Scharbrodt, O. (2024). "Creating Shia Spaces in British Society: The Role of Transnational Twelver Shia Networks in North-West London". In L. de Rooij (Ed.), *British Muslims and Their Discourses* (pp. 101-120). Springer International Publishing.

4. Scharbrodt, O., & Shanneik, Y. (2024). "Capturing Muslim Diversity in Europe: Perspectives from Research on Shi'i Muslims". In A. Alibašić, D. Bauer, S. Müssig, & E. Račius (Eds.), *Yearbook of Muslims in Europe* (Vol. 16). (Yearbook of Muslims in Europe; Vol. 16). Brill.

5. Scharbrodt, O. (2023). "Contesting ritual practices in Twelver Shiism: modernism, sectarianism and the politics of self-flagellation (taṭbīr)". *British Journal of Middle Eastern Studies*, 50(5), 1067-1090.

6. Scharbrodt, O. (2020). "Khomeini and Muhammad al-Shīrāzī: Revisiting the Origins of the "Guardianship of the Jurisconsult" (wilāyat al-faqīh)". *Welt des Islams*, 61(1), 9-38.

7. Scharbrodt, O. (2022). "Divine Sovereignty and Clerical Authority in Early Shi'i Islamism: Bāqir al-Ṣadr (1935–80) and Taqī al-Mudarrisi (b. 1945) on the Islamic State". *Journal of the Royal Asiatic Society*, 32(2), 311-332.

8. Oliver Scharbrodt.



عبدالعزيز ساشادينا: پل فکری بین اسلام سنتی و جهان مدرن

● علی سینا تبریزی، حسن ملایی شهرستانکی

دروس دانشگاهی به دروس حوزوی نیز می‌پرداخت و مطابق گفته خود نزد آیت الله میلانی در مشهد، فقه خوانده بود.^۴ او به زبان‌های مختلف همچون سواحلی، عربی، فارسی، اردو، هندی، انگلیسی، آلمانی و ترکی تسلط داشت.^۵

پروفسور ساشادینا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با سفر به کانادا مدرک ارشد و دکتری خود را در رشته مطالعات خاورمیانه و اسلامی از دانشگاه تورنتو کانادا دریافت نمود. عنوان رساله دکتری او که زیر نظر راجر سیوری^۶ انجام داد، «سیر تحول اندیشه مهدی در تشیع امامی: از آغاز تا قرن هفتم/سیزدهم» بود.^۷ این اثر که بعدها به صورت کتابی با عنوان «منجی گرایی اسلامی: ایده مهدی نزد شیعه دوازده امامی»^۸ توسط دانشگاه ایالتی نیویورک در ۱۹۸۱ منتشر شد،

عبدالعزیز عبدالحسین ساشادینا متولد ۱۹۴۲ میلادی، محقق و استاد مطالعات اسلامی به ویژه مطالعات شیعی و صاحب کرسی مؤسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی در دانشگاه جورج میسون در فیرفکس، ویرجینیا بود.^۱ او در خانواده‌ای با ریشه‌های هندی-شیعی در شرق آفریقا به دنیا آمد و تحصیلات اولیه خود را در همان منطقه گذراند. وجود این زمینه چند فرهنگی از همان آغاز، ذهن او را به روی پرسش‌های هویتی و گفت‌وگوی دینی گشود؛ دغدغه‌ای که در تمام زندگی علمی او استمرار یافت.^۲ ساشادینا مدرک لیسانس خود را از دانشگاه اسلامی علیگر هند^۳ در رشته مطالعات اسلامی و دانشگاه فردوسی مشهد در رشته زبان و ادبیات فارسی دریافت نمود. وی در دوران تحصیل در مشهد در کنار

1. <https://religiousstudies.gmu.edu/people/asachedi>.

2. https://en.wikishia.net/view/Abdulaziz_Sachedina.

3. Aligarh Muslim University.

4. <https://ijtihadnet.com/an-interview-with-abdulaziz-sachedina-on-his-life-and-scholarship>.

5. <https://www.fpri.org/contributor/abdulaziz-sachedina>.

6. Roger Savory.

7. Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein. (1977). The Doctrine of Māhdisim in Imāmī Shī'ism. Ph.D., Ottawa, Can.: National Libr. of Can.

8. Sachedina, Abdulaziz. (1981). Islamic Messianism: The Idea of Mahdi in Twelver Shi'ism. Albany: State University of New York Press.

● اسلام و چالش حقوق بشر؛ ● اخلاق زیست‌پزشکی اسلامی: اصول و کاربرد؛^{۱۵}

اما مهدویت برجسته‌ترین موضوع در کارنامه علمی ساشادینا است. او که رساله دکتری خود را در این باره نگاشته بود، بعدها با بسط و ویرایش همان اثر، کتاب مشهور خود در زمینه مهدویت را منتشر کرد. او مقالاتی را نیز در این موضوع دارد؛^{۱۶} علاوه بر آنکه کتاب دادگستر جهان نوشته مرحوم آیت الله ابراهیم امینی را نیز به انگلیسی ترجمه کرده است.^{۱۷}

تحلیل و نقد نظرات ساشادینا

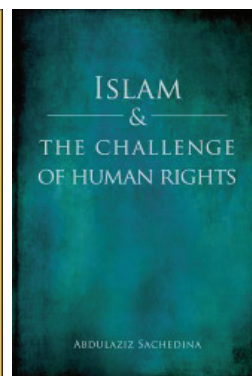
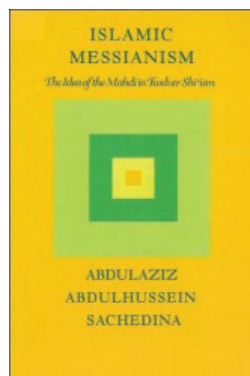
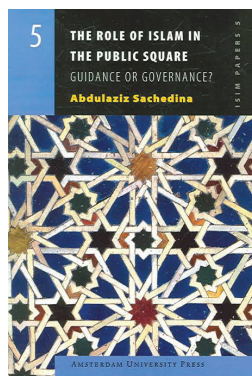
در ادامه به سه مورد از دیدگاه‌های شاخص ساشادینا در موضوع مهدویت می‌پردازیم و آنها را مختصراً تحلیل و نقد می‌کنیم.^{۱۸}

۱. ابداع نظریه دو غیبت توسط علمای شیعه

ساشادینا معتقد است تقسیم غیبت امام دوازدهم (عج) به دو دوره کوتاه و بلندمدت (غیبت صغری و غیبت کبری) از ابداعات فقیهان امامیه می‌باشد. او مدعی است علمای شیعه -همچون نعمانی، صدوق، خزاز، مفید و طوسی- برای تأیید این تقسیم‌بندی، احادیث را یا جعل و یا به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که خروجی آن همان نظریه مورد نظرشان مبنی بر وجود دو غیبت کوتاه و بلند باشد.

نقد

این دیدگاه عاری از صحت بوده و از دقت لازم



پنتاگون و ارتش آمریکا، تلاش کرد با تشریح جایگاه مرجعیت نجف و نفوذ آیت‌الله سیستانی، پلی میان قوای نظامی غرب و پیچیدگی‌های جهان تشیع بزند؛ مسیری که در سال ۲۰۰۴ به مشارکت راهبردی او در تدوین قانون اساسی عراق ختم شد.^{۱۹} ساشادینا سرانجام در سوم دسامبر ۲۰۲۵ (۱۲ آذرماه ۱۴۰۴) در ۸۳ سالگی درگذشت.^{۲۰}

معرفی آثار و بیان نظریات در

حوزه مهدویت

عبدالعزیز ساشادینا دارای کارنامه علمی پربراری است که گواهی بر جایگاه ممتاز او در مطالعات اسلامی می‌باشد؛ برای نمونه می‌توان به آثار برجسته زیر اشاره کرد:

- منجی‌باوری اسلامی: ایده مهدی نزد شیعه دوازده‌امامی؛
- حاکم عادل در اسلام شیعی: اقتدار و مرجعیت فقیه نزد فقه امامیه؛^{۲۱}
- نقش اسلام در حوزه عمومی: هدایت یا حکومت؛^{۲۲}

نقطه عطفی در مطالعات شیعه‌شناسی به روش تاریخی-انتقادی در غرب به شمار می‌رود.

این اندیشمند مطرح و صاحب نظر، فصل اخیر حیات علمی خود را به عنوان صاحب کرسی مطالعات اسلامی در دانشگاه جورج میسون (از سال ۲۰۱۳) سپری کرد؛ با این حال شاکله اصلی و بیشتر کارنامه آکادمیک او در دانشگاه ویرجینیا شکل گرفت؛ جایی که وی بیش از سه دهه (۱۹۷۶ تا ۲۰۱۱) به عنوان استاد تمام در دپارتمان مطالعات دینی فعالیت داشت. وی مسئولیت‌های پژوهشی و آموزشی متعددی را نیز به عنوان استاد و محقق مدعو در مراکز معتبری همچون دانشگاه مک‌گیل کانادا، کالج هارفورد، دانشگاه واترلو و دانشگاه اردن بر عهده داشته است که نشان‌دهنده جایگاه تثبیت‌شده او در محافل علمی بین‌المللی است.^{۲۳}

ساشادینا فراتر از کرسی‌های دانشگاهی، پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، در قامت مشاور

9. <http://ijtihadnet.com/abdulaziz-sachedina>.

10. https://en.wikishia.net/view/Abdulaziz_Sachedina.

11. <https://muslimnews.co.uk/newspaper/a-bridge-between-worlds-professor-abdulaziz-sachedina-intellectual-voice-for-dignity-and-dialogue>.

12. Sachedina, Abdulaziz. (1988). *The Just Ruler in Shi'ite Islam: The Comprehensive Authority of the Jurist in Imamite Jurisprudence*. New York: Oxford University Press.

13. Sachedina, Abdulaziz. (2006). *The Role of Islam in the Public Square: Guidance or Governance?* Amsterdam: Amsterdam University Press.

14. Sachedina, Abdulaziz. (2009). *Islam and the Challenge of Human Rights*. New York: Oxford University Press.

15. Sachedina, Abdulaziz. (2009). *Islamic Biomedical Ethics: Principles and Application*. New York: Oxford University Press.

16. Sachedina, Abdulaziz. (1978). "A Treatise on the Occultation of the Twelfth Imāmite Imam," *Studia Islamica*, no. 48: 109–124.

17. Amini, Ibrahim. (2004). *Al-Imam Al-Mahdi: the Just leader of humanity*. (A. Sachedina, Tran.). Qum: Ansariyan Publications.

۱۸. دیدگاه‌هایی که در ادامه می‌آید بیشتر برگرفته از کتاب او (منجی‌گرایی اسلامی) است. لازم به ذکر است مقالاتی نیز به نوشته آقای آیت‌اللهی در نقد دیدگاه ساشادینا در موضوع مهدویت با توصیف زیر منتشر شده است.

۱. آیت‌اللهی، محمدتقی. (۱۳۸۲). مروری نقادانه بر دو اثر پژوهشی دانشگاهی در غرب درباره مهدویت. انتظار موعود، جلد ۸-۹، شماره ۳، صص ۲۲۵-۲۳۶.

۲. ساشدینا، عبدالعزیز عبدالحسین. (۱۳۸۲). امام مهدی (عج) منجی اسلام (۱). (سید محمدتقی آیت‌اللهی، مترجم و ناقد)، انتظار موعود، جلد ۱۰، شماره ۳، صص ۹۹-۱۲۲.

۳. ساشدینا، عبدالعزیز عبدالحسین. (۱۳۸۳). امام مهدی (عج) منجی اسلام (۲). (سید محمدتقی آیت‌اللهی، مترجم و ناقد)، انتظار موعود، جلد ۱۱-۱۲، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۹۶.

مناسب است گوشزد کنیم ساشادینا به نوعی از برخی دیدگاه‌های خود در کتاب مذکور عقب‌ننشینی کرده و از برخی موارد نیز دفاع کرده است. برای اطلاعات بیشتر در این مورد،

ن.ک: جندقی، بهروز (مترجم). (۱۳۸۵). مصاحبه با دکتر ساشادینا دفاع از کتاب مهدویت در اسلام. انتظار موعود، جلد ۱۸، شماره ۶، صص ۱۵۵-۱۷۰.



برخوردار نیست؛ زیرا اعتقاد به دو غیبت پس از رحلت سفیر چهارم در سال ۳۲۹ هجری قمری به وجود نیامده و سابقه روایی طولانی دارد. علمای متقدم شیعه تنها کاری که کردند تطابق احادیث غیبت پیشگویی شده امام مهدی (عج) با دو دوره غیبت بود که در آن زمان واقع شده بود. به بیان دیگر از نقطه نظر تاریخی اخبار و روایات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد احادیثی که درباره غیبت وجود دارند، قبل از سال ۳۲۹ هجری یعنی آغاز غیبت کبری در میان امامیه رواج داشته و خوشبختانه کلینی که در دوران غیبت صغرا می‌زیسته نیز این احادیث را در کتاب کافی ذکر کرده است.

۲. عدم صلاحیت حسین بن روح به عنوان وکیل سوم

ساشادینا بر این باور است که انتصاب حسین بن روح نوبختی به عنوان وکیل سوم، تحت نفوذ شخصیتی برجسته از نوبختیان به نام ابوسهل اسماعیل بن علی صورت گرفته و خود حسین بن روح در جایگاه و مقامی نبوده است که شایسته منصب وکالت امام باشد و در آن زمان افراد شایسته‌تری در میان بودند که گزینه وکالت خاص امام باشند.

نقد

آنچه از منابع دینی استفاده میشود این است که شایستگی‌هایی که در حسین بن روح بود باعث شد تا او به این جایگاه منصوب شود. او در عین حال که جوان بود، اما شخصی زیرک و باهوش به حساب می‌آمد. به نقل شیخ طوسی، حسین بن روح در بین ده نفری بود که احتمال می‌رفت یکی از آنها به سفارت برسند و سفیر دوم، محمد بن عثمان عمری با استناد به دستور امام زمان (عج) حسین بن روح را به این مقام انتخاب کرد.^{۱۹}

برخی ویژگی‌های خاص و ممتاز حسین بن روح در گزارش‌های تاریخی آن زمان منعکس شده است. به عنوان مثال وقتی از ابوسهل نوبختی سؤال شد که چرا به جای او، حسین بن روح به جایگاه سفارت رسید، گفت: «ایشان [یعنی ائمه علیهم السلام] بهتر می‌دانند و آنچه که ایشان پسندند [همان حق است]. من مردی هستم که با مخالفین [اهل سنت] ملاقات می‌کنم و با آنها مناظره و مجادله می‌کنم. اگر من وکیل و نایب حضرت می‌شدم و همچنان که ابو القاسم مکان ایشان را می‌داند از مکان امام خبر داشتم و در مقام مجادله، در جواب حجت و دلیلی معطل می‌ماندم. چه بسا در آن حالت مکان آن حضرت را به دیگران نشان می‌دادم؛ ولی ابو القاسم حسین بن روح اگر حجت خدا

در زیر لباسش باشد و او را با قیچی تکه‌تکه کنند، وی را به مردم نشان نمی‌دهد.»^{۲۰} کلام ابوسهل نوبختی بر صلاحیت و شایستگی حسین بن روح برای سفارت دلالت دارد.

۳. متأخر بودن به کارگیری عنوان مهدی برای امام دوازدهم

ساشادینا در کتاب خود مدعی شده کاربرد عنوان «مهدی» در زیارات برای امام دوازدهم (عج) بعد از سال ۲۹۰ هجری قمری بوده و پیشتر این عنوان توسط معصومین (ع) برای امام دوازدهم به کار نرفته است. نقد

از نظر تاریخی در دیدگاه ساشادینا چند نکته وجود دارد که محل تأمل است. نخست اینکه با توجه به روایاتی که از امام باقر و امام جواد (ع) نقل شده، عنوان «قائم» برای همه ائمه ثابت بوده یعنی ایشان برای اقامه دین الهی قیام کرده‌اند.^{۲۱} همچنین لقب «مهدی» یعنی هدایت‌کننده به حق، به همه امامان (ع) داده شده است. با توجه به این مطلب، امام زمان (عج) نیز قائم و مهدی خواهد بود. علاوه بر این احادیثی در متون روایی شیعه وجود دارد که قائم (به معنای خاص) و مهدی منتظر را یک شخص (فرزند امام حسن عسکری (ع)) می‌دانند.^{۲۲} اینگونه روایات نیز شاهی بر این است که امام دوازدهم (عج) به طور ویژه با این عناوین معرفی شده است. در کنار آن روایاتی وجود دارد که کلینی، مسعودی و صدوق نقل کرده‌اند که بر «مهدی» بودن امام زمان (عج) تأکید و دلالت دارد.

از این نکات می‌توان نتیجه گرفت که از همان زمان غیبت صغری علمای امامیه، امام زمان (عج) را قائم و مهدی می‌دانستند. البته طبیعی است زیارتنامه‌هایی که معمولاً متأخر از دوره زندگی امام خاصی بودند، پس از آن دوره بیشتر رواج پیدا کنند و لذا به کارگیری این تعابیر در زیارتنامه‌های مربوط به امام عصر (عج) پس از آن دوره امری طبیعی است.

نتیجه‌گیری

پروفسور عبدالعزیز ساشادینا در دوران حیات خود سعی داشت به عنوان یک پل فکری بین سنت اسلامی و جهان مدرن عمل کند. تلاش او برای تفسیر معقولانه و اخلاق محور از مفاهیم اسلامی به‌ویژه در حوزه مهدویت و امامت و نیز ایجاد دیالوگ بین ادیان، جایگاه او را به عنوان یک چهره اثرگذار در مطالعات اسلامی معاصر به‌ویژه در غرب تثبیت کرده است. اگرچه رویکردهای او گاه با نقدهای روش‌شناختی و محتوایی از سوی عالمان شیعه مواجه شده؛ ولی نقش او در معرفی اندیشه شیعه به جهان آکادمیک غرب و پیشبرد بحث‌های میان‌فرهنگی در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق بشر و اخلاق زیستی انکارناپذیر است. بیش از ۴۵ سال حضور او در غرب، باعث شد بسیاری محققان غربی دیدگاه شیعه در برخی موضوعات از جمله مهدویت را از دریچه نگاه و بنگرند؛ نگاهی که بعضاً با باورداشت عمومی شیعیان تفاوت‌ها و تعارض‌هایی دارد.

۱۹. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۳۷۰.

۲۰. همان، ص ۳۹۱.

۲۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲۲. همان، ص ۳۰.



معرفی مراکز اسلام‌پژوهی و ایران‌پژوهی در اسرائیل (۳): دانشگاه تل آویو

زهیر دهقانی آرانی

کتابخانه دانشگاه نیز تأسیس شد و با اضافه شدن رشته‌های تحصیلی جدید، این دانشگاه به عنوان یک مرکز آکادمیک رسمی جای خود را در محافل علمی جهان بازکرد.^۱ دانشگاه تل آویو اکنون نیز دارای چندین مؤسسه و گروه علمی است که در موضوعات اسلام‌پژوهی و شیعه‌پژوهی مشغول فعالیت هستند که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها معرفی خواهد شد.



تصویری از کلنگ‌زنی و شروع ساخت دانشگاه تل آویو

دانشگاه تل آویو، بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی در سرزمین‌های اشغالی در شمال غربی شهر تل آویو قرار دارد. این دانشگاه امروزه بیش از ۳۰ هزار دانشجو را در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در خود جای داده است. ساختار آکادمیک دانشگاه شامل ۹ دانشکده، ۲۹ مدرسه تخصصی و ۹۸ دپارتمان آموزشی و پژوهشی است که طیفی گسترده از رشته‌ها در حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، حقوق، پزشکی، مهندسی، علوم پایه و هنر را پوشش می‌دهند.

این دانشگاه به طور رسمی در سال ۱۹۵۴ تأسیس و افتتاح شد؛ اما در حقیقت جرقه آغازین شکل‌گیری آن در سال ۱۹۳۰ توسط شهردار وقت تل آویو زده شد و دو مرکز آموزش عالی زیست‌شناسی و حقوق و اقتصاد - در دوره‌ی قیمومت بریتانیا بر اسرائیل - افتتاح شد. بعدها در سال ۱۹۵۳ وقتی مرکز آموزش عالی زیست‌شناسی به مؤسسه دانشگاهی علوم طبیعی، تحت رهبری پروفسور هاینریش مندلسون تبدیل شد، هسته اولیه و مستقل این دانشگاه به صورت رسمی افتتاح گردید. در همان سال ۱۹۵۴ مؤسسه دانشگاهی مطالعات یهود و

1. Tel Aviv University.

2. https://english.tau.ac.il/tau_history.



تصویری از دیوید مناشری، دیوید آلیانس و عده‌ای دیگر در کنار موشه کاتسو رئیس جمهور وقت اسرائیل؛ نکته جالب اینه هر سه این افراد اصالت ایرانی دارند!

گروه مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه علوم انسانی^۳

گروه مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه تل‌آویو، یکی از بخش‌های برجسته دانشکده علوم انسانی این دانشگاه است که به ارائه آموزش‌های جامع در زمینه زبان، ادبیات و فرهنگ عربی و اسلامی می‌پردازد. این دپارتمان برنامه درسی خود را در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ارائه می‌دهد و اهداف خود را در این دوره‌ها ارائه دانش نظری و عملی در مورد زبان عربی کلاسیک و مدرن، آشنایی با فرهنگ عربی و اسلامی و ادبیات عربی در دوره‌ها و ژانرهای مختلف آنها، کسب مهارت‌های مستقل در تحلیل انتقادی متون ادبی، تاریخی و مذهبی بیان کرده است.

دپارتمان مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه تل‌آویو علاوه بر برنامه‌های تحصیلی رسمی، دوره‌ها و کارگاه‌های تخصصی متعددی برگزار می‌کند که شامل آموزش عمیق زبان‌شناسی عربی و تحلیل ساختارهای دستوری و معنایی زبان عربی، و همچنین کارگاه‌های فرهنگی و بین‌المللی برای ارتقاء گفت‌وگوهای بین‌دینی و تعامل فرهنگی است. این کارگاه‌ها فعالیت‌هایی مانند نمایش فیلم، بازدیدهای میدانی از مکان‌های مذهبی و برنامه‌های فرهنگی متنوع را به صورت رایگان ارائه می‌کنند و فرصتی مناسب برای گسترش دانش، مهارت‌های تحلیلی و درک متقابل فرهنگی دانشجویان فراهم می‌آورند.^۴

مرکز مطالعات ایرانی آلیانس^۵



ACIS - The Alliance Center for Iranian Studies
The Lester and Sally Entin Faculty of Humanities
Tel Aviv University

مرکز مطالعات ایران، یک مرکز تحقیقاتی میان رشته‌ای است که بر ارتقای دانش و درک ایران تمرکز دارد. این مرکز در نوامبر ۲۰۰۵ توسط دیوید مناشری به عنوان اولین مرکز در نوع خود در اسرائیل تأسیس و

در سال ۲۰۰۶ به عنوان مرکز مطالعات ایران (CIS) در دانشگاه تل‌آویو به طور رسمی افتتاح شد و امروزه بزرگ‌ترین مرکز ایران‌شناسی در غرب آسیا/خاورمیانه (خارج از ایران) است. مطابق توصیف این مرکز در صفحه معرفی خود، فعالیت‌های آن در قالب‌های تحقیقات نوآورانه، کنفرانس‌ها، محاوره‌ها و سخنرانی‌های محققان محلی و میهمان، بر جنبه‌های مختلف ایران‌شناسی از جمله تاریخ، جامعه و مذهب ایران و همچنین نقش آن در منطقه تمرکز دارد.

این مرکز در فعالیت‌های مختلف خود تلاش می‌کند تا درک بهتری از فرآیندهای فرهنگی و تاریخی پیچیده ایران و یهودیان ایران به محققان، دانشجویان و عموم مردم ارائه دهد. برگزاری کنفرانس‌ها، چاپ مقالات و کتب، برگزاری دوره‌های آموزشی و همکاری با مؤسسات علمی و تحقیقاتی دیگر از جمله مهم‌ترین کارکردهای این مرکز به شمار می‌آید.^۶ پشتیبانی گسترده و نقش مؤثر شخصی به نام دیوید (داوود) آلیانس^۷ در شکل‌گیری و آغاز به کار این مؤسسه، چنان تأثیرگذار بود که به پاس قدردانی از حمایت‌های مادی و معنوی او، نام «آلیانس» در عنوان مرکز جای گرفت و به نمادی از تعهد و همراهی او با عرصه مطالعات ایرانی بدل شد. دیوید آلیانس در سال ۱۹۳۲ در خانواده‌ای یهودی در شهر کاشان متولد شد. او در دوران نوجوانی به انگلستان مهاجرت کرد و به تدریج به یکی از بازرگانان موفق و تأثیرگذار تبدیل گشت تا آنجا که حتی از سوی دولت بریتانیا در سال ۱۹۸۹ به عنوان «لرد» و لقب «شوالیه» ملقب گردید. آلیانس که حتی به عضویت مجلس اعیان انگلیس هم در آمده بود،^۸ در سراسر زندگی خود، همواره به خدمت به جامعه یهود و پشتیبانی از اسرائیل پایبند بود و نقش مهمی در انتقال و نجات یهودیان اتیوپیایی و اسکان آنان در اسرائیل ایفا کرد. سرانجام وی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۵ درگذشت و بنا بر وصیت خود، پیکرش در

3. Department of Arabic and Islamic Studies.

4. <https://humanities.tau.ac.il/arabic>.

5. Alliance Center for Iranian Studies.

6. <https://en-humanities.tau.ac.il/iranian/about>.

7. David Alliance.

8. https://www.iranjewish.com/essay/Essay91_24_4.htm.



برخی کتب عبری مراکز وابسته به دانشگاه تل آویو

مرکز مطالعات خاورمیانه و آفریقا موشه دایان^{۱۵}

مرکز موشه دایان برای مطالعات خاورمیانه و آفریقا (MDC) که در سال ۱۹۵۹ تأسیس و از ۱۹۶۶ زیرمجموعه دانشگاه تل آویو قرار گرفت، نهادی پژوهشی، میان‌رشته‌ای و غیردولتی است که به مطالعه تحولات معاصر خاورمیانه و آفریقا می‌پردازد. این مرکز با رویکردی فرهنگی، زبانی، تاریخی و دینی، درک میدانی از منطقه را اساس تحلیل‌های خود قرار داده و بر ارائه راه‌حل‌های واقعی برای مسائل منطقه‌ای تمرکز دارد. فعالیت‌های این مرکز شامل انتشار تحلیل‌های علمی، برگزاری رویدادها، حمایت از پژوهشگران، جذب دانشجویان و محققان بین‌المللی و ارائه بورس‌های تحصیلی است.^{۱۶}

تمرکز اصلی این مرکز بر حفظ، تقویت و تثبیت جایگاه اسرائیل در منطقه است و در همین راستا برنامه‌ها و ابتکارات متعددی را اجرا کرده است. از جمله می‌توان به «برنامه مطالعات یهودیان در سرزمین‌های عربی»، «برگزاری کارگاه‌های آموزشی درباره اسرائیل و خاورمیانه»، «برنامه همکاری یهودی-عربی» و همچنین «سمینارهای تخصصی پیرامون مسائل روز اسرائیل، از جمله رویداد ۷ اکتبر»، اشاره کرد که هر یک بخشی از فعالیت‌های گسترده این مرکز را تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر، عناوین و موضوعات کتاب‌های منتشرشده توسط پژوهشگران این مرکز نیز عمدتاً با هدف تقویت و تحکیم جایگاه اسرائیل در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تدوین و انتخاب شده‌اند. برای نمونه می‌توان به آثاری همچون «داعش و چشم‌انداز دولت اسلامی»^{۱۷}، «حزب الله: میان ایران و لبنان»^{۱۸}، «ریشه‌های درگیری اعراب و ایران»^{۱۹}

سرزمین‌های اشغالی به خاک سپرده شد.^۹

هرچند بنیان‌گذاری اولیه این مرکز به همت دو شخصیت ایرانی‌تبار، دیوید مناشری و لرد دیوید آلیانس انجام شد، اما از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، مدیریت آن بر عهده مئیر لیتواک، پژوهشگر اسرائیلی، قرار گرفت. پس از او، به مدت چهار سال، دکتر لیورا هندلمن-باور^{۱۰} عهده‌دار این سمت بود و از سال ۲۰۲۳ تاکنون، بار دیگر مئیر لیتواک به عنوان رئیس مرکز مطالعات ایرانی آلیانس منصوب شده است.

این مؤسسه با پشتیبانی محققان فعالی چون راز زیمت و دیگران سعی کرده تا به ریزترین مسائل مربوط به ایران ورود کند و آن‌ها را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. به عنوان نمونه IraniX نام یک نشریه منتشر شده توسط این مرکز است که بر موضوعات کمتر متداول در جامعه، فرهنگ و سیاست ایران تمرکز دارد؛ مسائلی که ممکن است تأثیری عمیق بر روندهای کلی جمهوری اسلامی داشته باشند.^{۱۱}

انتشارات این مؤسسه نیز از بخش‌های فعال آن به شمار می‌آید و در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای از کتاب‌ها را منتشر کرده است، از جمله: «یهودیان ایرانی در اسرائیل: مهاجرت، چالش‌های جذب و یکپارچه‌سازی»^{۱۲}، «ایران و اسرائیل، ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۳: روابط دوجانبه در دوراهی محیط ژئوپولیتیک در حال تغییر»^{۱۳} و «ایران گذشته و امروز: جامعه، دین و سیاست»^{۱۴}. انتشار این آثار، گواهی است بر پایبندی کامل این مؤسسه به اسرائیل و تأکید آن بر قرار گرفتن در مسیر خدمت به اهداف این کشور.

9. <https://www7.dorim.com/en/nobility/lord-david-alliance>./https://en.wikipedia.org/wiki/David_Alliance_Baron_Alliance

10. Liora Hendelman-Baavur

11. <https://en-humanities.tau.ac.il/acid.iranix>.

12. Iranian Jews in Israel: Immigration, Challenges of Absorption and Integration (in Hebrew).

13. Iran and Israel, 1948-1963: Bilateral Relations at a Crossroads in Changing Geopolitical Environment (in Hebrew).

14. Iran Then and Now: Society, Religion and Politics (in Hebrew).

15. Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies.

16. <https://dayan.org/content/about-moshe-dayan-center-mdc>.

17. Da'esh and the Vision of the Islamic State (in Hebrew).

18. Shapira, Shimon, and Merkaz Dayan. Hizballah : Between Iran and Lebanon. , Translated by Jacques Neria, Moshe Dayan Center, Tel Aviv University, 2021.

19. Mueller, Chelsi. The Origins of the Arab-Iranian Conflict : Nationalism and Sovereignty in the Gulf between the World Wars. Cambridge University Press, 2020.



برخی کتب انگلیسی مراکز وابسته به دانشگاه تل آویو

شد، می‌توان یکی از چهره‌های علمی هم‌راستا با اهداف راهبردی صهیونیسم و رژیم اسرائیل دانست. او با رویکردی ایدئولوژیک و تحلیل‌هایی که به ظاهر علمی اما در باطن مبتنی بر سوگیری‌های سیاسی و دینی بود، نقش مهمی در تئوریزه کردن نگاه امنیتی و تجزیه‌گرایانه نسبت به جهان اسلام ایفا کرد. آثار و دیدگاه‌های او، که همواره بر ضرورت مهار تمدن اسلامی و تقویت گفتمان غرب‌محور تأکید داشت، به‌طور مستقیم در خدمت سیاست‌های خاورمیانه‌ای اسرائیل و متحدان غربی آن قرار گرفت و مبنایی نظری برای پروژه‌هایی چون «شناخت دشمن»، «اسلام‌هراسی» و «تجزیه دولت‌های اسلامی» فراهم آورد.

«زمین‌ها و دهقانان: از روایت‌های نظری تا تاریخ فلسطین»^{۲۰}، «تفکر اسلامی: بررسی گفتمان معاصر مسلمانان»^{۲۱} و «هزارتوی خاورمیانه: اسرائیل، اعراب و منطقه (۱۹۴۸-۲۰۲۲)»^{۲۲} اشاره کرد که هر یک از زوایای مختلف به تحلیل مسائل منطقه با تأکید بر جایگاه اسرائیل می‌پردازند.

از جمله چهره‌های شاخص این مرکز می‌توان به پروفسور برنارد لوئیس اشاره کرد؛ شخصیتی که از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین افراد در پیشبرد اهداف این مرکز به شمار می‌رود. در بزرگداشت و قدردانی از جایگاه علمی و فکری او، یکی از برنامه‌های مرکز با عنوان «برنامه لوئیس برای مطالعات پیشرفته خاورمیانه»^{۲۳} نام‌گذاری شده است.

برنارد لوئیس را که در ۱۹۱۶ در لندن، در خانواده‌ای یهودی متولد

20. Lands and Peasants- From Theoretical Narratives to Palestinian History (in Hebrew).
21. Thinking Islamic- Reviewing the Contemporary Muslim Discourse (in Hebrew).
22. Rabinovich, Itamar. Middle Eastern Maze : Israel, the Arabs, and the Region, 1948-2022. [New Edition], Brookings Institution Press, 2023.
23. Lewis Program for Advanced Middle Eastern Studies.



پروفسور برنارد لوئیس در میان دیگر اساتید دانشگاه تل آویو



خانواده در آخرالزمان؛ قربانی ترس یا کانون امید؟

تحلیلی مختصر از خانواده آخرالزمانی هالیوودی

مسعود زائری

در جهان امروز، سینما دیگر صرفاً یک ابزار سرگرمی نیست؛ بلکه ویتترین تمدنی است که با تکیه بر جادوی تصویر، عمیق‌ترین باورهای بشری را بازتعریف می‌کند. یکی از پرکشش‌ترین عرصه‌های تجلی این بازتعریف، سینمای آخرالزمانی است. جایی که هالیوود با استفاده از سناریوهای فاجعه‌بار، دست بر روی بنیادی‌ترین نهاد بشری یعنی خانواده می‌گذارد. اما سؤال اینجاست: خانواده‌ای که هالیوود در ویرانه‌های پس از فاجعه ترسیم می‌کند، حامل چه پیامی است و چه تفاوتی با الگوی والای خانواده مهدوی دارد؟ بر همین اساس در ادامه سعی می‌گردد در مرحله نخست به معرفی شاخصه‌های خانواده در سینمای آخرالزمانی غرب، و در مرحله بعد به مقایسه تطبیقی آن با خانواده منتظر تراز مهدوی پرداخته شود.



تنازع برای بقا، هدف نهایی خانواده آخرالزمانی هالیوودی

بی‌شک، اساسی‌ترین مؤلفه‌ای که به زندگی انسان هویت و معنا می‌بخشد و شئون مختلف زیست او را سامان‌دهی می‌کند، مسئله هدف‌گذاری است. هدف در زندگی انسان همچون یک نقطه کانونی، تمام خطوط، برنامه‌ها و استراتژی‌های زندگی را ترسیم می‌کند و به تلاش‌های روزمره جهت می‌دهد. مشاهده و تحلیل بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های آخرالزمانی هالیوود

مشخص می‌سازد، هدف نهایی خانواده تنها ادامه حیات فیزیکی و زنده ماندن است. خانواده‌هایی که در میان بحران‌های آخرالزمانی و پسا آخرالزمانی گرفتار شده‌اند، تنها یک هدف دارند و آن هم تلاش برای بقا فیزیکی است. برای نمونه، در قسمت نخست فیلم «یک مکان آرام» (یا یک مکان ساکت)^۱ پدر خانواده مهم‌ترین قاعده زندگی را روی تخته‌ای بزرگ یادداشت کرده است: «زنده بمان». و یا در فیلم «جاده»^۲ تمام تلاش پدر خانواده به همراه تنها پسر خود تلاش برای طی نمودن

1. A Quiet Place. (2018)

2. The Road. (2009)



خود وضع کرده و در هیچ سکانسی نشانی از دعا یا استمداد از نیروهای الهی برای عبور از حوادث سهمگین و پر خطر مانند عبور از رودخانه متلاطم با چشمان بسته دیده نمی شود. این رویکرد در فیلم «یک مکان آرام» نیز به خوبی قابل مشاهده است.

مسیری است که به ادامه حیات ختم شود. آن ها در جاده ای حرکت می کنند که مقصد مشخصی ندارد و تنها مقصد خانواده در این فیلم، تلاش برای زنده ماندن است

انسان گرایی افراطی تنها راه حل بحران در خانواده آخرالزمانی هالیوود

از دیگر شاخصه های بنیادینی که در خانواده های آخرالزمانی سینمای غرب به تصویر کشیده می شود، حذف عامدانه خداوند و فقدان هرگونه تکیه گاه معنوی یا امید به نجات بخشی الهی است. در این فضای یأس آلود، خانواده ها در مواجهه با خطرات و بحران های سهمگین، هیچ نگاهی به منجی آسمانی و یا حتی امداد های غیبی خداوند ندارند و تمام امیدشان بر توانمندی و ظرفیت های محدود بشری تقلیل می یابد. گویی در نگاه خانواده آخرالزمانی هالیوود، خدا یا مرده و یا جهان را به حال خود رها کرده است.

به عنوان مثال در فیلم «جعبه پرنده»^۳ تمام اتکاء خانواده بر اقدامات فیزیکی و قوانین سخت گیرانه ای است که مادر خانواده برای فرزندان

خشونت، الگویی تعاملی خانواده آخرالزمانی هالیوود

در بسیاری از محصولات آخرالزمانی هالیوود، وجود محدودیت های شدید مانند کمبود منابع غذایی و نیز خطرات متعدد در جوامع آخرالزمانی و پسا آخرالزمانی، باعث می شود خانواده ها به هیچ کس جز خود اعتماد نکنند. در چنین جهانی، بقای خانواده مهم ترین اولویت است و همین امر آن ها را به سوی رفتارهای افراطی سوق می دهد؛ به گونه ای که برای حفظ خود و اعضای خانواده، گاه مرتکب اعمال خشونت آمیز، از جمله قتل دیگران نیز می شوند.

نمونه بارز این رویکرد در سریال «۱۰۰»^۴ مشهود است؛ آنجا که شورای حاکم برای مدیریت بحران کمبود اکسیژن، عامدانه سیستم حیاتی

3. Bird Box.(2018)
4. The100(2014-2020)





مدل جایگزین اسلامی چیست؟

در تقابل با الگوی ماتریالیستی و نهیلیستی هالیوود که بقاء را یگانه هدف مقدس و انسان را تنها منجی خود می‌پندارد، خانواده مهدوی بر مدار زمینه‌سازی ظهور و توکل الهی می‌چرخد. در این منظومه فکری، زندگی نه یک تقلای کور برای زنده ماندن فیزیکی، بلکه فرصتی استراتژیک برای نصرت ولی خداست؛ جایی که اعضای خانواده خود را سربازان خط مقدم نبردی جهانی می‌دانند و حیات جسمانی را تا زمانی ارج می‌نهند که در خدمت آرمان الهی باشد. برخلاف اومانیزم یأس‌آلود غربی که با حذف خدا، انسان را در بن‌بست‌های مادی رها می‌کند، خانواده مهدوی ضمن تلاش حداکثری، نتیجه را به اراده الهی گره می‌زند و با باور عمیق به «وَمَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتُ»^۵، محدودیت‌های بشری را با افق گشایش و نصرت الهی جبران می‌کند.

از منظر اخلاق اجتماعی و اتمسفر روانی نیز شکاف عمیقی میان این دو سبک زندگی وجود دارد. در حالی که خانواده هالیوودی در سایه سنگین ترس و خشونت، دیگران را رقیبانی برای غارت منابع محدود می‌بیند و برای حفظ خود حصار می‌کشد، خانواده مهدوی بر پایه مواسات و امید فعال بنا شده است. در این تفکر، دیگران نه یک تهدید، بلکه برادرانی ایمانی هستند که باید در داشته‌ها شریک شوند. در نهایت، اضطراب‌کشنده پایان دنیا جای خود را به آرامش ناشی از انتظار فرج می‌دهد؛ امیدی سازنده که به خانواده اطمینان می‌دهد پایان تاریخ، نه تباهی و سیاهی، بلکه طلوع عدالت و کرامت انسانی خواهد بود.

افرادی از ساکنان بی‌گناه را قطع می‌کند. در این منطق بی‌رحمانه، جان دیگران تنها ابزاری مصرفی تلقی می‌شود که باید فدای تضمین بقاء و رفاه نخبگان و اکثریت باقی‌مانده گردد. به عنوان نمونه دیگر، در فیلم «نفس بکش»^۶ خانواده‌ای اعم از مادر و دخترش برای مدیریت منابع محدود حیاتی، عامدانه در راه روی پناهجویان بی‌گناه می‌بندند؛ اقدامی که نشان می‌دهد در این منطق بقاء، «دیگری» نه یک دشمن، بلکه رقیبی مزاحم برای سهمیه اکسیژن و غذای فرزندان تلقی می‌شود که باید در مسلخ انحصارطلبی خانوادگی قربانی گردد.

سایه سنگین ترس، اتمسفر روانی خانواده آخرالزمانی هالیوود

خانواده‌ها در اغلب تولیدات آخرالزمانی هالیوود در جهانی ترسیم می‌شوند که ترس، اضطراب و ناامنی بر همه ابعاد زندگی آن‌ها حاکم است و امید به آینده‌ای روشن در آن رنگ می‌بازد. حکومت‌های مستبد و کنترل‌گر، خشونت ساختاری، کمبود منابع و دشمنی انسان‌ها با یکدیگر فضایی ایجاد می‌کند که در آن خانواده‌ها همواره در حالت دفاعی و نگرانی دائمی به سر می‌برند. در سریال «دیدن»^۷، خانواده مرکزی و قبیله آنان مدام در بیم حمله قبایل رقیب و تهدیدهای محیطی زندگی می‌کنند و هر تصمیم آنان همراه با هراس از درگیری و نابودی است. در «کلونی» (مستعمره)^۸ نیز خانواده زیر سایه سنگین یک حکومت اشغال‌گر و سرکوب‌گر قرار دارد و هر لحظه ممکن است به دلیل قوانین سخت‌گیرانه یا سوءظن حاکمان، امنیت و انسجامش از هم بپاشد. حاصل این شرایط آن است که در جهان آخرالزمانی هالیوود، زندگی خانوادگی نه بر امید و آرامش، بلکه بر ترس، تردید و اضطراب مداوم بنا شده است.

5. Breathe. (2017)

6. See. (2019)

7. The Colony. (2013)

فرش قرمزی برای دروغ؛ کالبدشکافی سینمای جشنواره پسند ضد ایرانی

خاتمه اسلامی

در سال‌های اخیر موجی از تولیدات سینمایی با موضوع ایران، در داخل و خارج از مرزهای کشور و عمدتاً با حمایت نهادهای غربی ساخته شده‌اند که ادعا می‌کنند روایتگر واقعیت‌های جامعه ایران هستند؛ آثاری مانند «شاهد» (۲۰۲۴)، «لولیتاخوانی در تهران» (۲۰۲۳)، «هفت روز» (۲۰۲۴) و «دانه انجیر معابد» (۲۰۲۴) در زمره این تولیدات قرار می‌گیرند. این فیلم‌ها را نمی‌توان صرفاً فعالیت‌های هنری مستقل دانست؛ بلکه باید آن‌ها را به عنوان ابزارهایی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران تحلیل کرد که در یک صنعت روایت‌سازی مغرضانه با پشتوانه گفتمان مسلط غرب شکل می‌گیرند. در ادامه بنا داریم با رویکردی تحلیلی انتقادی به بررسی نقاط مشترک ساختاری و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک و اهداف سیاسی پنهان در پشت پرده این آثار بپردازیم.



تحلیل محتوایی و ویژگی‌های مشترک

وقتی به مجموعه فیلم‌های ایرانی^۱ که به ویژه در یکی دو دهه اخیر مورد اقبال جشنواره‌های غربی قرار گرفته می‌نگریم، به مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک می‌رسیم که در غالب آن‌ها آشکار و هویداست. برخی از این ویژگی‌ها که به طور خاص در فیلم‌های مذکور جلوه بیشتری دارند، عبارت است از:

۱. روایت‌سازی تقابلی و کلیشه‌پردازی فاسد

معمول فیلم‌های نامبرده شده در چارچوبی کاملاً ایدئولوژیک و دوگانه حرکت می‌کنند که در آن یک فرد آزاده در برابر یک نظام تمام‌خواه و یک‌دست قرار می‌گیرد. در فیلم «شاهد»، یک معلم رقص بازنشسته در برابر سیستمی می‌ایستد که قتل یک زن را می‌خواهد مخفی کند. «لولیتاخوانی در تهران» بر پایه روایتی یک‌سویه از تحولات ایران، استاد دانشگاهی را نشان می‌دهد که در تقابل با حکومت است. «هفت روز» و «دانه انجیر معابد» نیز به ترتیب یک فعال حقوق بشر و یک قاضی را

در همین الگو جای می‌دهند. چنین الگویی ذهنیت از پیش‌ساخته مخاطب غربی درباره «شرق استبدادی» را تأیید و تغذیه می‌کند؛ بدون آنکه هیچ تلاشی برای درک واقعیت‌های حقیقی آن کند.

۲. استفاده ابزاری و تقلیل‌گر از مفهوم زن

یکی از مشترکات بارز این آثار تمرکز وسواس‌گونه بر شخصیت زن به عنوان محور اصلی روایت برای حمله به کلیت نظام سیاسی و فرهنگی ایران اسلامی است. در «شاهد» شخصیت ترلان نماد مبارزه با فرهنگ سکوت قلمداد می‌شود و فیلم صراحتاً خود را به شعار «زن، زندگی، آزادی» گره می‌زند. «هفت روز» نیز سرگذشت یک زندانی سیاسی زن را روایت می‌کند. این نگاه دستاوردهای عظیم و متنوع زنان ایرانی در چهار دهه گذشته در عرصه‌های اجتماعی، علمی، سیاسی و اقتصادی را حذف می‌کند و تنوع موقعیت و آرای آنان را به یک کلیشه تقلیل می‌دهد؛ یک قربانی منفعل یا اسطوره مقاومتی که تنها با طرد کامل از جامعه ایرانی و ارزش‌های آن به آزادی می‌رسد.

۱. منظور ما از فیلم‌های ایرانی در اینجا تولیداتی است که یا به زبان فارسی تولید شده و یا در مورد ایران تولید شده‌اند و معمولاً از تعدادی بازیگر ایرانی نیز در آنها بهره برده‌اند. طبیعی است تعدادی از اینگونه فیلم‌ها در خارج از ایران ساخته و برخی نیز بدون مجوزهای رسمی و به طور مخفیانه در داخل ایران تولید شده‌اند.



۳. تقدس‌زدایی و عرفی‌سازی اجباری

یک خط مشترک دیگر، تلاش برای نشان دادن تقابل مذهب-سنت با زندگی-شادی است. نمادهای مذهبی در این فیلم‌ها نه به عنوان بخشی از فرهنگ مردم، بلکه به عنوان ابزار سرکوب نمایش داده می‌شوند. در مقابل، عناصری مثل رقص، موسیقی غربی، یا پوشش آزاد به عنوان نمادهای رهایی و انسانیت برجسته می‌شوند. برای نمونه، در فیلم «لولیتاخوانی در تهران»، لحظاتی که شخصیت‌ها با ادبیات کلاسیک غرب مواجه می‌شوند، با نورپردازی گرم و موسیقی متفاوتی همراه است که حس زنده بودن را تداعی می‌کند. در مقابل در فیلم «دانه انجیر معابد» تقیدات ایدئولوژیک و مذهبی پدر خانواده نه تنها باعث قوام و گرمی کانون خانواده نیست، بلکه به عامل اصلی سلب آرامش و در نهایت خشونت علیه دختران تبدیل می‌شود. در این روایت‌ها، هر رفتار شاد، مدرن یا حتی روزمره از سوی فرزندان، به عنوان یک دهن کجی و طغیان علیه مقدسات تفسیر می‌شود تا مخاطب ناخودآگاه بپذیرد که میان دین‌داری و زندگی نرمال و شاد، هیچ نقطه اشتراکی وجود ندارد.

۴. زیبایی‌شناسی جشنواره‌پسند: مهندسی تصویر برای نگاه خیره غرب

آنچه تحت عنوان زیبایی‌شناسی جشنواره‌پسند شناخته می‌شود، در واقع مجموعه‌ای از کدهای بصری و روایی است که فیلم‌سازان برای همسو شدن با پیش‌فرض‌های ذهنی داوران جشنواره‌های غربی مانند کن، برلین و ونیز به کار می‌گیرند. در این آثار، ایران نه آنگونه که هست، بلکه آنگونه که غرب دوست دارد ببیند، بازنمایی می‌شود. به عنوان مثال در این فیلم‌ها، زیبایی‌شناسی بصری بر پایه زشتی بنا شده است. دوربین معمولاً روی دست و لرزان است تا حس اضطراب و ناامنی را القا کند. نورپردازی‌ها اغلب کم‌مایه، رنگ‌ها مرده و سرد و لوکیشن‌ها کثیف و فرسوده است.

در این فیلم‌ها پیچیدگی‌های جامعه ایران، طیف‌های خاکستری، مذهبی‌های روشن‌فکر، یا سکولارهای سنتی حذف می‌شوند و همه چیز به یک دوگانه کاریکاتوری تقلیل می‌یابد: حاکمیت هیولا در برابر مردمی مظلوم و گرفتار دست حاکمیت. همچنین شخصیت‌ها به جای گفتگوی طبیعی، با یکدیگر اطلاعیه رد و بدل می‌کنند. دیالوگ‌ها به گونه‌ای نوشته شده‌اند که حاوی اطلاعات سیاسی برای مخاطب ناآگاه غربی باشند و نه صحبت‌های روزمره دو ایرانی.

در نهایت، باید گفت که تولید چنین آثاری نه یک ضرورت هنری، بلکه پروژه‌ای مهندسی‌شده از سوی لابی‌های سیاسی و فرهنگی غرب

است تا تصویری مخدوش و کینه‌توزانه از ایران و حکومت اسلامی شیعی به افکار عمومی جهان تزریق کنند. این فیلم‌ها بیش از آنکه برآمده از نبوغ سینمایی باشند، محصول پیوند سفارش سیاسی و حمایت مالی نهادهای ضدایرانی هستند؛ به همین سبب، علی‌رغم جوایز پرزرق‌وبرق جشنواره‌ای، فاقد ماندگاری هنری بوده و در نگاه منتقدان منصف، آثاری کم‌ارزش و شعارزده محسوب می‌شوند. در واقع، این فیلم‌ها قربانی فرمول جشنواره‌ای شده‌اند؛ فرمولی که کیفیت فنی و عمق دراماتیک را فدای خوش‌آمد سیاسی داوران غربی می‌کند. چنان‌که فرانسوا تروفو، فیلم‌ساز و منتقد نامدار فرانسوی، در نقد سینمایی که صرفاً برای جلب نظر جشنواره‌ها ساخته می‌شود و نه برای بیان حقیقت هنری، معتقد بود: «فیلم‌هایی که تنها با هدف خوشایند مصلحت‌های سیاسی یا اجتماعی ساخته می‌شوند، عمر کوتاهی دارند و به سرعت به اسناد تبلیغاتی بی‌خاصیت بدل می‌گردند؛ چرا که هنر واقعی نباید از ایدئولوژی‌های گذرای زمانه فرمان بگیرد.»^۲ بنابراین، آثار مذکور را نه فیلم‌های هنری و جزئی از سینما، بلکه باید بیانیه‌هایی تصویری دانست که هرگز نمی‌توانند حقیقت جامعه ایران و حکومت اسلامی آن را نمایندگی کنند.

منابع:

- <https://coipi-fa.org/1997>
- <https://phoenixjournal.org/film-review-seven-days>
- <https://www.radiofarda.com/a/seven-days-film-ali-samadi-director-asayesh/33118556.html>
- [https://en.wikipedia.org/wiki/The_Witness_\(2024_film\)](https://en.wikipedia.org/wiki/The_Witness_(2024_film))
- <https://jinhaagency1.com/fa/rwzanh/fylm-lwlytakhwany-dr-thran-dr-jshnwarh-38036>
- <https://www.radiozamaneh.com/856565>
- <https://filmitalia.org/en/film/156607>

2.Truffaut, François. "A Certain Tendency of the French Cinema ". In Cahiers du Cinéma ,the1950 s :Neo-Realism ,Hollywood, New Wave, edited by Jim Hillier, 63-78. Cambridge: Harvard University Press, 1985.



THE PROMISED MAHDI
The Promised Mahdi Cultural Foundation

سایت انگلیسی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
عج و خج الله تعالی

سایت انگلیسی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

mahdism.net



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

www.mahdaviat.ir

شماره‌های پیشین مجله رصد را می‌توانید در آدرس زیر دنبال کنید:

eitaa.com/westandmahdism2